

یادداشت

سایه سنگین بحران‌های نهفته در دل حکومت اردوغان آرامش ظاهری را تهدید می‌کند

ترکیه روی لبه پرتگاه

مایکل روبین

کارشناس خاورمیانه و عضو ارشد «مؤسسه امریکن انترپرایز»

ترکیه ظاهرا در اوج قدرت قرار گرفته است. روابط نزدیک رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان با رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، اکنون ثمر داده و دولت ترامپ به دنبال آن است که فروش جنگنده فوق‌بیشرفته اف-۳۵ را برای ترکیه تسهیل کند. صنعت تسلیحات ترکیه که مدیریت آن در اختیار داماد اردوغان است، با مهندسی معکوس فناوری‌های نظامی و کسب میلیاردها دلار درآمد، تجهیزات پیشرفته از جمله پهپادها و سلاح‌های مدرن را به برخی از بدنام‌ترین حکومت‌ها و گروه‌های جهان می‌فروشد. در همین حال، گروه شورشی تحریرالشام که از حمایت مستقیم ترکیه برخوردار است و توانست در هشتم دسامبر ۲۰۲۴، بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه را از قدرت کنار بزند، اکنون کنترل سوریه را در دست دارد. هرچند سوریه در گذشته تهدیدی برای ترکیه به شمار می‌رفت و دو کشور در سال ۱۹۹۷ تا آستانه جنگ پیش رفتند، اما امروز ترکیه به قدرت مسلط دیپلماتیک و اقتصادی در سوریه بدل شده است؛ به‌طوری‌که فقط از محل بازسازی سوریه، شرکت‌هایی که توسط نزدیکان اردوغان اداره می‌شوند، شانس آن را دارند که میلیاردها دلار قرارداد کسب کنند.

در داخل مرزها، زندانی‌کردن بی‌هزینه رقبای جدی توسط اردوغان، قدرت او را بی‌رقیب کرده است. به این موفقیت ظاهری باید این نکته را هم افزود که پس از سال‌ها بمباران، دولت ترکیه سرانجام کردها را وادار کرد آتش‌بس را بپذیرند و سلاح‌های خود را زمین بگذارند.

چشم‌انداز تیره در پس‌زمینه قدرت

اما آنچه در ظاهر دیده می‌شود الزاما واقعیت نیست. شاید اردوغان خود را وارث سلاطین عثمانی ببیند و رؤیای احیای آن امپراتوری را در سر داشته باشد، اما مردم ترکیه به احتمال زیاد او را رهبری خواهند دانست که غرورش کشور را به ورطه سقوط کشاند. درحالی‌که نرخ تورم بالا و ارزش لیره ترکیه به‌سرعت در حال سقوط است، آنچه به عنوان شوکوفانی اقتصادی به نمایش گذاشته می‌شود، درواقع سرابی بیش نیست. درست همان‌طور که استانداردهای زندگی کشور همسایه‌شان پس از انقلاب ۱۹۷۹ به‌شدت افت کرد، انقلاب آرام و خزنده اردوغان نیز زمینه‌ساز فروپاشی طبقه متوسط ترکیه خواهد شد.

تغییرنگاه جهانی

باید به این نکته توجه داشت که اگرچه ترامپ در تلاش است تا کنگره را به فروش پیشرفته‌ترین جنگنده آمریکایی به ترکیه متقاعد کند، اما تمرکز بیش از حد اردوغان بر روابط شخصی با ترامپ و بی‌توجهی به کنگره، عملا نفوذ ترکیه را در واشنگتن به‌شدت کاهش داده است. پس از بحران مربوط به اریک آدامز، شهردار نیویورک، بسیاری از سیاستمداران آمریکایی همکاری با ترکیه را پرخطر می‌دانند. درحالی‌که روزگاری شمار اعضای گروه دوستی ترکیه در کنگره آمریکا به چند صد نفر می‌رسید، اکنون این تعداد به کمتر از یک‌سوم کاهش یافته است. ترامپ شاید فعلا روابط آمریکا و ترکیه را حفظ کند، اما پایه‌های اصلی این روابط دیگر فروپاشیده و ترکیه به کشوری بدل شده که نه جمهوری‌خواهان و نه دموکرات‌ها حاضر به دفاع از منافع آن نیستند.



بهای سنگین سیاست‌های منطقه‌ای

شرطبندی ترکیه بر سر معادلات سوریه نیز سرانجامی جز شکست نخواهد داشت. تجربه همه کشورهایلی که با هدف بهره‌برداری از افراط‌گرایان و شورشیان، آنها را به عنوان ابزار سیاست خارجی به کار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که سرانجام این بازی با واکنش منفی و ضربه متقابل روبه‌رو خواهد شد؛ همان‌طور که نمونه‌های بارز آن را می‌توان در عربستان سعودی، پاکستان و حتی خود سوریه دید. رئیس‌جمهور موقت سوریه، احمد الشرع، نیز پیشاپیش نشانه‌هایی از شکست را بروز داده است، اما مهم‌تر از آن، نیروهای تندرویی که اردوغان به آنها قدرت بخشیده، سال‌ها منطقه و حتی خود ترکیه را با ناامنی و ترور مواجه خواهند کرد.

پیروزی به‌ظاهر مطلق بر کردها نیز از جنس پیروزی‌های پرهزینه و مخرب است. اردوغان به دنبال تحقیر کامل کردهاست و از زمان اجرائی‌شدن آتش‌بس، حاضر به هیچ‌گونه مذاکره‌ای برای صلح واقعی نبوده است. در شرایطی که دولت جدید سوریه تحت حمایت ترکیه، به دنبال حذف کامل کردهاست، آنها چاره‌ای جز پناهن‌بردن به کوه‌های ترکیه یا حاشیه‌نشینی در محله‌های فقیرنشین استانبول ندارند. گرگاه دوباره شعله‌های درگیری زبانه بکشد - به‌ویژه اگر این بار کردها با حمایت خارجی همراه شوند- مرکز این جنگ خاک ترکیه خواهد بود. آرامشی که ترکیه در این سال‌ها تجربه کرده است، دیری نخواهد پایید. بااین‌حال، آنچه نقطه پایانی بر این بحران‌ها می‌گذارد، رویکرد ترکیه در قبال حماس است. حمایت شدید اردوغان از این گروه‌ها با ایدئولوژی مشابه، روندی را آغاز کرده که دیر یا زود گریبان خود ترکیه را خواهد گرفت. اگر او رویکرد حماس را مشروع می‌داند، منطقا باید رویکرد کردها را نیز مشروع بشمارد. اگر دفاع از استقلال را -حتی در مرزهای به رسمیت شناخته‌شده- مجاز می‌داند، پس می‌توان تصور کرد که آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی که از مداخلات اردوغان خشمگین هستند، به همان ترتیب استقلال کردها را به رسمیت بشناسند و نقشه جدیدی برای منطقه ترسیم کنند. در چنین وضعیتی، مخالفت ترکیه دیگر کارساز نخواهد بود. گرچه موضوع فلسطین و کردها کاملا مشابه هم نیست، اما یک نکته روشن است: جمعیت کردهای ترکیه دست‌کم پنج برابر جمعیت فلسطینیان کرانه باختری و غزه است. پس از کنارگرفتن اردوغان از قدرت، کشوری به جا خواهد ماند که پایه‌هایش به‌شدت تضعیف شده است. ظهور یک رهبر قدرتمند بعید به نظر می‌رسد و اگر کردها با تکیه بر الگوی فلسطینیان خواهان استقلال شوند، ترکیه توان جلوگیری از تجزیه را نخواهد داشت. حتی اگر آنکارا مخالفت کند، کردها خواستار همه‌پرسی خواهند شد و نتیجه چنین همه‌پرسی‌ای تایید این واقعیت است که ترکیه یکپارچه، دیگر مثل یوگسلاوی متحد گذشته، مفهومی منسوخ خواهد بود.

منبع: Washington Examiner



پوتین و ضرب‌الاجل ترامپ، مقاومت، پیشروی و بی‌اعتنایی

رؤیای نافرجام ترامپ

مهسا مژده‌ی: روس‌ها معتقدند دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، پایش را از گلیم خود درازتر کرده و بیش از آنچه باید در منازعه میان اوکراین و روسیه دخالت می‌کند. ترامپ در آغاز دومین دور از ریاست‌جمهوری تصور می‌کرد با نفوذی که بر روی ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه دارد، می‌تواند در یک چشم‌برهم‌زدن به جنگ با اوکراین خاتمه دهد. اندکی بعد مشخص شد رئیس‌جمهور آمریکا روی اسب مرده شرط بسته و جنگی که در اروپا آغاز شده، پیچیده‌تر از آن است که سرنوشتش با چند دیدار و تماس تلفنی عوض شود. او در یکی از اظهارنظرهای اخیرش اعتراف کرده درست زمانی که با ولادیمیر پوتین درباره آتش‌بس و آینده جنگ گفت‌وگو می‌کند، روس‌ها در حال بمباران اوکراین هستند.

لقمه‌ای که برای دهان ترامپ بزرگ بود

جنگ اوکراین سال‌ها معادلات را در اروپا به هم ریخت و کشورهای اروپایی را در شوک یک جنگ با آینده‌ای نامعلوم و قربانیان فراوان و خرابی‌های بسیار فرو برد. ترامپ در شرایطی قدرت را از جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین، تحویل گرفت که حتی بایدن و دیپلمات‌های کارکشته‌اش هم به‌جز سرازیرکردن کمک‌های تسلیحاتی به اوکراین، برنامه دیگری برای جنگ بین کی‌یف و مسکو نداشتند. دونالد ترامپ با ورود به کاخ سفید منازعه تاریخی میان اوکراین و روسیه را دست‌کم گرفت، دست دوستی به سوی پوتین دراز کرد و سپس تلاش کرد با سیاست خاص خود، ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین را قانع کند به خواسته‌های واشنگتن تن بدهد. هیچ‌کدام از این دو راهکار مثمرتر نبود و ترامپ کمی دیر این نکته را فهمید.

دونالد ترامپ هرچند توانست کشورهای عضو ناتو را وادار کند تا سهم بیشتری از هزینه‌های دفاعی خود را بپردازند، اما با انتخاب سیاستی نامشخص و غیرشفاف در قبال جنگ در اوکراین، اوضاع را وخیم‌تر و چشم‌انداز آتش‌بس را غبارآلودتر کرد.

رئیس‌جمهور آمریکا بعد از اینکه اعلام کرد همسرش ملانیا که در اروپای شرقی متولد شده، از حملات روسیه به اوکراین آزرده‌خاطر می‌شود، به پوتین ضرب‌الاجلی ۵۰روژه برای پذیرش آتش‌بس داد و هم‌زمان با اعلام کاهش فروش تسلیحات به اوکراینی‌ها گفت در صورتی که در زمان مشخص روس‌ها دست به اقدامی نزنند، تعرفه‌هایی را بر آنها اعمال خواهد کرد. او البته تاکید کرد مطمئن نیست این تعرفه‌ها بازدارندگی داشته باشند یا نه. مدتی بعد، او نظرش را طبق معمول عوض و مدت ضرب‌الاجل را کوتاه کرد.

پوتین به آتش‌بس تن نمی‌دهد

هم‌زمان با آنکه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، تلاش داشت روسیه را مجاب کند که به جنگ با اوکراین پایان دهد، ارتش روسیه برخی از سهمگین‌ترین حملات خود را به کی‌یف، پایتخت اوکراین، رقم زد که باعث مرگ غیرنظامیان و کودکان شد. از سوی دیگر، ولادیمیر پوتین از سیاست یک گوش در و گوش دیگر دروازه در مقابل سخنان ترامپ استفاده و عملا درخواست‌های او را بایکوت کرد. با نزدیک‌شدن به روزی که ترامپ آن را به عنوان ضرب‌الاجل تعیین کرد، مشخص شد روی زمین، اوکراین عملا در مدت سه ماه، ۵۰۰ کیلومتر از سرزمین خود را از دست داده است. در چنین شرایطی واضح است که تهدید ترامپ درباره اعمال تحریم‌های بیشتر بر مسکو و وضع تعرفه‌های صددرصدی برای خریداران نفت روسیه، بدون آنکه پوتین مهر مالکیت بر چهار نقطه از اوکراین را بزند، اثری نخواهد داشت.

روس‌ها با وجود تحریم‌های فراوان غرب هنوز طعم تلخ فشارهای اقتصادی را حس نکرده‌اند. برخی از ناظران می‌گویند تا زمانی که روس‌ها بتوانند کم‌سکان از برندهای غربی با خیال راحت خرید کنند و فروشگاه‌هایشان پر از محصول باشد، بعید است دولت‌های غربی بتوانند به پوتین بابت تحریم‌هایی که تا امروز نتوانسته اقتصاد روسیه را فلج کند، فشار بیاورند. از سوی دیگر، موقعیت‌های ارتش روسیه روی زمین باعث شده مسکو بر این باور باشد که طولانی‌کردن این جنگ ارزشش را دارد و از نظر ژئوپلیتیکی خواسته‌های روس‌ها را تامین می‌کند. در چنین شرایطی، سسمه ترامپ آن‌قدر پرزور نیست که به جنگ پایان دهد.

پوتین هرچند با روی گشاده از استیو ویتکاف، نماینده آمریکا در موضوع جنگ اوکراین، در کرملین استقبال می‌کند و پاسخ تلفن‌های دونالد ترامپ را با روی خوش داده و قول‌هایی می‌دهد، اما درواقع بدون اینکه مناطقی همچون خرسون، لوهانسک، زاپوریژیا و دونتسک را به شکل رسمی تصرف نکند، عقب‌نشینی نخواهد کرد.

روسیه به طور تاریخی هرگز با همسایه خود اوکراین کنار نیامده است و حالا امید دارد بتواند دست‌کم نقطاتی را که بخشی از خاک خود دانسته و محل اقامت روس‌زبان‌ها و روس‌تبارهاست، ضمیمه کند. ممکن است این آخرین بلندپروازی پوتین نباشد، اما آرزوی دیرین او محسوب می‌شود و به‌سادگی و فقط با خواست یک دوست قدیمی که ارضا در کاخ سفید ساکن شده، از آن دست نخواهد کشید.

دستاورد ملموسی وجود ندارد

رئیس‌جمهور روسیه ابتدا با نشست‌های استانبول موافقت کرد. این رویکرد او باعث شد برخی امیدواری‌ها



پوتین و ضرب‌الاجل ترامپ، مقاومت، پیشروی و بی‌اعتنایی

رؤیای نافرجام ترامپ

درباره آتش‌بس میان مسکو و کی‌یف بالا بگیرد. بااین‌حال، خیلی زود مشخص شد که او در حال خریدن زمان و سبک و سنگین‌کردن موقعیت و خواسته‌های ترامپ است و مذاکرات فقط به آزادشدن تعداد محدودی از اسرای دو طرف انجامید. در حقیقت، رئیس‌جمهور روسیه در تمام شش ماه گذشته تلاش کرده تا امید دونالد ترامپ برای پایان‌دادن به بدترین جنگ در اروپا پس از جنگ بوسنی را ناامید نکند و درعین‌حال در پشت پرده خواسته‌های خود را پیش ببرد. روس‌ها شرایطی را برای آتش‌بس اعلام کرده‌اند که اوکراینی‌ها به‌شدت با آن مخالف هستند. مسکو از کی‌یف خواسته است از چهار شهر مد نظر روس‌ها عقب‌نشینی کند تا مالکیت روسیه بر آنها به رسمیت شناخته شود. آنها همچنین توقع دارند که اوکراین از پیوستن به ناتو خودداری کرده، بی‌طرفی اتخاذ کند و از نیروهای نظامی خود بکاهد. این درخواست‌ها آن‌قدر جاه‌طلبانه و توسعه‌طلبانه‌اند که اوکراینی‌ها با وجود آنکه مشخص‌برای ادامه جنگ با مشکلاتی روبه‌رو هستند، نمی‌توانند و نمی‌خواهند آن را بپذیرند.

بازدید از مسکو زیر سایه تنش‌ها

استیو ویتکاف روز چهارشنبه در حالی وارد مسکو شد و مورد استقبال پوتین قرار گرفت که دادگاهی در شهر کالینینگراد یک مرد روس را به اتهام انتقال اسرار ماهواره‌ای به آمریکا دستگیر کرد. فرد مظنون قبلا کارمند شرکتی بوده که موتورهای الکترونیکی برای ماهواره‌های فضایی تولید می‌کرده و روس‌ها می‌گویند بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ اطلاعات را به نمایندگی از سرویس‌های اطلاعاتی ایالات متحده گردآوری و ذخیره می‌کرده است. این اقدام در آستانه حضور ویتکاف در این کشور، سروصدای زیادی به‌پا کرد و از آن به عنوان گرگوشی روس‌ها یاد شد.

تنش درباره بازداشت یک مرد روس تنها مسئله نیست؛ در هفته‌های اخیر، دمیتری مدودف، رئیس‌جمهور پیشین روسیه که حالا معاون شورای امنیت ملی این کشور است، در کانال تلگرامی و شبکه‌های اجتماعی پرتفردارش انتقادهای تندی را علیه ضرب‌الاجل ترامپ مطرح کرد. او سپس با اشاره به پروژه «دست مرده» شوروی که به معنای فعال‌شدن سلاح هسته‌ای در صورت ایجاد یک خطر جدی هسته‌ای است، بازی را به سطح دیگری برد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در اقدامی عجیب این تهدید را جدی گرفت و دو زیردریایی هسته‌ای را به نقاطی استراتژیک ارسال کرد که به تنش‌ها دامن زد. با لغو ممنوعیت استقرار موشک‌های میان‌برد و کوتاه‌برد توسط روسیه، این تنش باز هم بالا گرفت و ناظران هشدار می‌دهند که اگر کنترل نشود، تنش‌های کم‌مقیاسه‌ای را میان واشنگتن و مسکو رقم می‌زند.

هم‌زمانی خشم اجتماعی و تهدید روسیه، اوکراین را وارد دوراهی کرد

بحران اعتماد به زلنسکی

رای‌داده‌اند، تحت تعقیب نهادهای ضدفساد قرار دارند. مهم‌تر آنکه انتصابات مرتبط با مشاور قدرتمند رئیس‌جمهور، آندری یرماک نیز از تیررس اتهام دور نمانده‌اند؛ از جمله پاولو کیریلنکو، رئیس کمیته ضدانحصار، متهم به کسب غیرقانونی نزدیک به یک میلیون پوند و الکسی چرنیشوف، معاون نخست‌وزیر که نامش در پرونده‌ای با زیان سنگین برای خزانه دولت مطرح است؛ هر دو اتهامات را رد کرده‌اند. بر اساس گفته یاروسلاو ژلزنیاک، نماینده حزب هولوس، طراحی اصلی لایحه بحث‌برانگیز بر عهده یرماک بوده است. زلنسکی بر این باور بود که بیکیری‌های نهادهای نظارتی پیرامون نزدیکانش به کاهش محبوبیت او منجر شده و وقت آن است این روند را متوقف کند. همچنین این انتظار وجود داشت که متحدان خارجی هم واکنشی نشان ندهند. با این حال، در کمتر از یک روز، لایحه با رأی ۲۶۳ نماینده تصویب شد؛ بسیاری از آنها خود در مظان تحقیق بودند. آن شب، دیگر که حالا ادامه خیابانی، نه هشدار سفرای گروه هفت، نه تماس رئیس‌جمهور فرانسه و رئیس شورای اروپا هیچ‌یک مانع امضای قانون توسط زلنسکی نشد. این سرعت تصمیم‌گیری، از رئیس‌جمهوری که معمولاً لوابیح را ماه‌ها معطل می‌گذارد، بی‌سابقه بود. واکنش جامعه اوکراین و حتی وفادارترین هواداران زلنسکی، این بود که دولت با این اقدام به دنبال فرار از شفافیت و پاسخ‌گویی است. آنها دیدند که آرزوی پیوستن به اتحادیه اروپا، توسط همان فردی به خطر افتاد که در سه سال جنگ نماد اتحاد و مقاومت ملی بود. این بحران داخلی، حمایت متحدان اروپایی و آمریکایی را نیز دچار تزلزل کرد؛ چنان که حالا ادامه کمک‌های مالی به اوکراین زیر سؤال رفته است. توافق نانوشته‌ای که تا پیش از این، همه را برای تمرکز بر دشمن مشترک یعنی روسیه متحد نگه داشته بود، با این ماجرا عملا به پایان رسید. زلنسکی که به‌گاه آخرین نظرسنجی‌ها هنوز از حمایت بیش از ۶۰ درصد مردم برخوردار بود، خود باعث شد این اتحاد از هم بپاشد. حتی اگر این قانون لغو شود، لکه بی‌اعتمادی به آسانی از چهره دولت پاک نخواهد شد و دستاورد بزرگ زلنسکی در مقاومت در کی‌یف و جلب توجه جهانی، حالا زیر سایه تردیدها و نقدهای جدی قرار گرفته است. پس از تصویب قانون جنجالی ضدفساد توسط زلنسکی، اعتراضات سراسری و بی‌سابقه در اوکراین دولت را با بحرانی جدید روبه‌رو کرد.

گزارش

سازمان ملل و دیپلماسی ناکام در غزه

شرق: نشست‌های اخیر شورای امنیت سازمان ملل، یازباتی از بحران فزاینده و بی‌سابقه در نوار غزه بود؛ جایی که هر روز صدای انفجار و فریاد غیرنظامیان به یکی از اصلی‌ترین محورهای بحث میان دیپلمات‌های جهان بدل شده است. با وجود برگزاری جلسات متعدد و صدور بیانیه‌های بی‌درپی، جامعه جهانی همچنان در مواجهه با واقعیت تلخ جنگ ناتوان نشان داده است.

در این میان، گزارش‌های دبیر کل سازمان ملل و نهادهای وابسته، تصویری تکان‌دهنده از نقض حقوق بشر، بحران آوارگان و تلفات سنگین غیرنظامیان در غزه ارائه دادند. بسیاری از نمایندگان عرب، با بیان نگرانی عمیق نسبت به وضعیت غیرنظامیان، خواستار اقدام عملی و فوری شورای امنیت برای توقف حملات شدند؛ اما روند سیاسی جلسات نشان داد شکاف میان قدرت‌های جهانی و به‌ویژه موضع آمریکا و متحدانش، دستیابی به راه‌حل واقعی را دشوارتر از همیشه کرده است.

یکی از صحنه‌های پررنگ این جلسات، وتوی مکرر قطع‌نامه‌ها توسط آمریکا بود؛ قطع‌نامه‌هایی که با هدف توقف بمباران، حمایت از غیرنظامیان و فراهم‌کردن شرایط آتش‌بس تهیه شده بود، اما بارها با مخالفت واشنگتن و گاه با سکوت یا بی‌عملی برخی دیگر از اعضا بی‌اثر ماند. این رویکرد، نه‌تنها انتقاد کشورهای عربی و آفریقایی را برانگیخت، بلکه حتی برخی دولت‌های اروپایی نیز نسبت به پیامدهای انسانی تداوم جنگ هشدار دادند. با وجود تاکید بیانیه‌ها بر لزوم توقف حملات و رعایت اصول حقوق بشری، واقعیت روی زمین تغییری نکرد و شمار آوارگان و قربانیان روزبه‌روز افزایش یافت.

در بخش دیگری از گزارش‌ها، دبیر کل سازمان ملل بر ابعاد انسانی بحران و لزوم حفاظت از کودکان و زنان تاکید کرد و خواستار دسترسی فوری کمک‌های بشردوستانه به غزه شد. این تاکید‌ها اگرچه همدلی جهانی را برانگیخت، اما اقدامات اجرایی و تأثیر عملی چندان‌به دنبال نداشت. فشارهای سیاسی پشت درهای بسته و منافع متضاد قدرت‌های بزرگ، سازمان ملل را از ایفای نقش مؤثر بازداشته و امیدها به صلح و امنیت واقعی را کم‌رنگ‌تر کرده است.

در همین حال، یکی از ابعاد نگران‌کننده‌ای که در جلسات شورای امنیت و تحلیل‌های رسانه‌ای برجسته شد، طرح اسرائیل برای اشغال کامل نوار غزه بود؛ موضوعی که نه‌تنها بحران را وارد مرحله‌ای تازه و پرمخاطره کرد، بلکه تهدید جدی برای آینده فلسطینیان محسوب می‌شود.

گزارش‌های منتشرشده از سوی منابع غربی و برخی نمایندگان سازمان ملل، حاکی از آن است که مقامات تل‌آویو به‌صراحت از برنامه‌هایی برای تسلط نظامی و اداری بر غزه سخن گفته‌اند؛ امری که نگرانی عمیقی را در میان کشورهای عربی، مسلمان و حتی بخشی از افکار عمومی جهان برانگیخته است. مخالفان این طرح معتقدند اشغال کامل غزه به معنای گسترش بحران انسانی، تشدید خشونت‌ها و ازین‌روفتن اندک امید باقی‌مانده برای راه‌حل دو دولتی خواهد بود.

در مجموع، نشست‌های اخیر شورای امنیت و واکنش‌های جامعه بین‌المللی، بار دیگر نشان داد که سازوکارهای موجود برای توقف جنگ، حفاظت از غیرنظامیان و تحقق صلح، زیر سایه منافع ژئوپلیتیک و دیپلماسی ناکارآمد، عملاً کارایی خود را از دست داده‌اند. در شرایطی که مردم غزه هر روز با ناامنی، بی‌پناهی و ویرانی مواجه‌اند، پاسخ‌های جهانی همچنان محدود به کلمات و بیانیه‌ها باقی مانده است و بحران انسانی در نوار غزه، به یکی از اصلی‌ترین چالش‌های اخلاقی و سیاسی جهان معاصر بدل شده است.